

بسم الله الرحمن الرحيم

فتح خرمشهر، نقطه عطف دفاع مقدس

چکیده:

۱- با نزدیک شدن به سالگرد حماسه آفرینی رزمندگان اسلام در آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، کلید طرح، بازنشر و توزیع هدفمند سوالات، ابهامات و شبهات مهندسی شده‌ی مرتبط با مسائل جنگ و چرایی تداوم آن پس از فتح خرمشهر در رسانه‌ها و امروزه با حجم بیشتری در فضای مجازی زده می‌شود. این نوشتار تلاش می‌کند چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و دستاوردهای این فتح بزرگ را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲- نسل جوان با تاثیرپذیری از فضای سیاسی حاکم بر کشور و فعالیت کانال‌های مجازی و بی‌اطلاعی از رخدادها و واقعیات جنگ در کانون اهداف جنگ شناختی دشمنان قرار دارد. جریان ضد انقلاب با قدرت و توان رسانه‌ای تحریف وقایع و حوادث جنگ در ذهن جوانان این سرزمین را در دستور کار خود قرار داده است.

۳- ریشه اصلی شبهه چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را باید در اقدامات صدام حسین و شبکه سلطنتی بی بی سی فارسی جستجو کرد. آنها با شیطنت و تحریف واقعیت این موضوع را به نگاه ایدئولوژیک صدور انقلاب اسلامی و اینکه رهبران ایران می‌خواهند شیعیان و ملت عراق را با خود همراه کنند پیوند زدند و در صدر تبلیغات خود قرار دادند.

۴- صاحب نظران و دلسوزان جریان انقلابی در خصوص دلایل و علل تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر، عدم تحقق اهداف و خواسته های عراق، تغییر در شرایط و ماهیت جنگ، جانبداری شورای امنیت از عراق و عدم تحقق ابعاد حقوقی ایران، نبود طرح صلح واقعی، دخالت آمریکا و قدرت‌های بزرگ بیان می‌کنند.

۵- تلاش رژیم بعث عراق برای خرید تجهیزات نظامی پیشرفته پس از فتح خرمشهر و ناتوانی صدام حسین و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، نشان می‌دهد درخواست آتش بس صدام در آن مقطع، نوعی تاکتیک موقت برای پایان جنگ و تجهیز مجدد نیروهای عراقی بوده است.

۶- مهمترین دستاوردهای فتح خرمشهر ظهور قدرت دفاعی ایران، تغییر در وضعیت امنیت داخلی، ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، اثبات یک سبک موفق از جلوه ایمان در کشاکش سهمگین ترین میدان‌ها و ظهور ستارگانی از فرماندهان بود که در تدبیر و شجاعت ظرف چندماه از کارکشته‌ترین ژنرال‌های صدام و حامیان غربی‌اش جلو زدند.

مقدمه

همه ساله با نزدیک شدن به سالگرد حماسه‌آفرینی رزمندگان اسلام در آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، کلید طرح، بازنشر و توزیع هدفمند سوالات، ابهامات و شبهات مهندسی شده‌ی مرتبط با مسائل جنگ و چرایی تداوم آن پس از فتح خرمشهر در رسانه‌ها و امروزه با حجم بیشتری در فضای مجازی زده می‌شود. این در حالی است که کتاب‌ها و مقالات و اسناد صوتی و تصویری بیشماری از فرماندهان و دست‌اندرکاران دفاع مقدس در سال‌های گذشته در راستای پاسخ به این سوالات و شبهات نخ‌نما تولید شده است اما امروز دشمنان انقلاب و اسلام در شرایط جنگ شناختی به بازتولید این چرخه باطل برای نسلی می‌زنند که هیچ کدام از آن صحنه‌های تاریخ‌ساز ملت ایران را ندیده است و مضاف بر آن با نوعی فقر فرهنگی و تاریخی در باره دفاع مقدس روبرو است و به شدت از سوی رسانه‌ها و فضای مجازی با فرهنگ غربی در حال بمباران نرم فرهنگی است. از این رو، باید متون و اسناد گفته شده برای پاسخ به سوالات و

شبهات در باره جنگ و دفاع مقدس را در قالب‌های هنری متنوع و گوناگون بازتولید و بازنشر داد تا به جامعه هدف جنگ روانی و شناختی دشمن برسد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد پرسش‌ها و نقدهای جنگ همواره متأثر از اغراض سیاسی و تحت تاثیر فضای سیاسی کشور قرار داشته و در پرداختن به آن از رویکردهای کلان و استراتژیک غفلت شده است. امروزه نگرش نسل جوان به جنگ بیان‌کننده نگرشی جدید است که درون مایه آن، تاثیرپذیری از فضای سیاسی حاکم بر کشور و فعالیت کانال‌های مجازی و بی‌اطلاعی از رخدادها و واقعیات جنگ می‌باشد. به عبارت دیگر، نظام معرفتی و آگاهی نسل جدید تحت تاثیر تحولات و گفتمان‌های جدید می‌باشد. امروز مکتب و تفکری در حال تولید و توزیع ابهام و سوال و شبهه در باره انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و هر آنچه مربوط به انقلاب است که روزگاری مسبب بدبختی ایران و ایرانی بوده و از انقلاب اسلامی شکست خورده است.

ملت ایران بر مکاتب دست‌ساز لیبرالیسم و سوسیالیسم غربی و شرقی شورید و طرحی نو با چنگ زدن به ریسمان اسلام سیاسی به رهبری امام

راحل در انداخت و در این ۴۴ سال در هر میدان و عرصه ای وارد شده در پرتو گفتمان انقلاب موفق عمل کرده است و دشمن دریافته است که این موفقیت‌ها و فتح خرمشهرها در عرصه‌های مختلف دفاعی، علمی و سیاسی و اقتصادی و امنیتی محصول همین تغییر نگاه و تحول حاکمیت از تفکر لیبرالیستی و سرمایه‌داری به تفکر انقلابی است. آیا طبیعی نیست دشمنی با چنین تفکری و گفتمان پیش‌رونده و پیش‌برنده‌ای به نام انقلاب اسلامی سر عناد داشته باشد و دلش با آن تا به زانو نکشیدنش صاف نشود؟! این که دشمن امروز مسائل مختلفی مانند علت شروع جنگ، میزان کمک کشورهای دیگر به عراق، علل طولانی شدن جنگ، علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را به همراه صدها سوال و شبهه را تولید و از طریق فضای مجازی در اختیار نسل جدید می‌گذارد، در وهله اول به دنبال التیام شکست‌های خود از انقلاب اسلامی است و در مرحله بعد، سوء استفاده از ضعف بینشی و دانشی فرزندان ما در باره عظمت این گفتمان حرکت‌بخش انقلاب اسلامی است که متأسفانه به دلیل حاکم شدن فرهنگ غربی بر رویکرد برخی از دولت‌های روی کار آمده بعد از جنگ، از انتقال این سرمایه و فرهنگ غنی باز ماندیم. لذا نباید از سوالات و شبهات

ناراحت و نگران شد بلکه باید آنها را قدر دانست و در صدد تمهید پاسخ‌های منطقی و واقعی و اقناعی در میان معرکه تحمیلی، ترکیبی و شناختی دشمن در شرایط کنونی بود و با زبان روز به آنها پاسخ داد.

اگر چه جریان انقلابی تا حدودی پاسخ به این سوالات را داده است، اما ضعف در تبدیل، تولید و توزیع این سوالات بر اساس تجهیزات جدید رسانه‌ای و در نقطه مقابل قدرت و توان رسانه‌ای جریان رقیب باعث شده که تحریف وقایع و حوادث جنگ در ذهن برخی از جوانان این سرزمین بوجود آید. در بیان موضوعات مرتبط با جنگ ذکر چند نکته در خور ملاحظه است:

اول آنکه، برداشت جوانان از جنگ واکنشی و غیر پژوهشی است. به عبارت دیگر، جریان انقلابی در استفاده و بهره برداری از وسایل جدید رسانه‌ای برای روایت صحیح و مناسب دفاع مقدس، ارزش‌ها و فرهنگ جنگ و ضرورت‌های تصمیم‌گیری آن دوران غفلت کرده است. همین مسئله باعث شده که جریان رقیب تا حدی اصول و مبانی فکری و رفتاری نسل جدید را تغییر دهد. جوانان امروزی مسائل گذشته را با زبان گذشته نمی‌پذیرند. نیاز به روش و رویکردهای جدید است. چنین چالشی باعث

شد که نسل جدید نه حرف نسل پیشین را بپذیرد و نه برای یافتن پرسش‌های خود، به مطالعه و تحقیق اقدام کند. با این وجود این نوشتار در صدد پاسخگویی به بخشی از مهمترین پرسش‌های مرتبط با جنگ و دفاع مقدس است و تلاش می‌کند چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و در انتها دستاوردهای آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر

پس از آزادسازی خرمشهر و به تصور نزدیک بودن پایان جنگ، بسیاری از مردم برای بازسازی شهرها و مناطق جنگی اعلام آمادگی کردند. دولت نیز به منظور بازسازی خرمشهر و دیگر شهرها و روستاهای آسیب دیده از جنگ، «شورای عالی بازسازی مناطق جنگی» را بوجود آورد تا خرابی‌های جنگ را بازسازی کند. این اقدام در آن موقع مورد استقبال رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) قرار گرفت. ایشان در ۱۸ مرداد ۱۳۶۱ ضمن برگزیدن آیه الله یوسف صانعی به عنوان نماینده خود در این شورا، توفیق دولت جمهوری اسلامی ایران را در برنامه ریزی صحیح و حساب شده در بازسازی هرچه بهتر از خداوند خواستار شدند.

برخی چنین برداشت می کنند که برنامه ریزی برای بازسازی شهرها و خرابی های جنگ، نشان دهنده تمایل ایران برای پایان دادن به جنگ بود؛ اما منطق حاکم بر تصمیم گیری ایران از ملاحظات متفاوتی تأثیر می پذیرفت. در این روند تجربیات سیاسی، نظامی، مبانی اعتقادی، منافع و مصالح کشور و خیلی چیزهای دیگر، که به طور کلی از آنها تحت عنوان محیط روانی یاد می شود، می تواند نقش بسیار مهمی در تصمیم گیری برای شرایط ایجاد شده پس از آزادسازی خرمشهر داشته باشد.

در بحث ترک مخاصمه و یا تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و شکست ارتش عراق در سال ۱۳۶۱، نظریات متفاوتی با دو رویکرد «تبیینی» و «انتقادی» مطرح شده است. منظور از رویکرد تبیینی، تشریح ضرورت ادامه جنگ در خاک عراق و علت طولانی شدن آن با استفاده از مؤلفه های سیاسی، حقوقی، نظامی، اقتصادی و غیره است. در رویکرد انتقادی، بیشتر منازعات سیاسی و نقد مدیریت سیاسی و نظامی کشور برای تصمیم گیری درباره ادامه جنگ بدون توجه به شرایط و تنها براساس نتایج برای کشور مدنظر بوده است. در این بخش از نوشتار سعی می شود ضمن در نظر گرفتن دو رویکرد تبیینی و انتقادی، مسئله تداوم جنگ، دلایل تداوم جنگ

و براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. با توجه به حجم و گستردگی اطلاعات درباره موضوع مورد نظر مسئله ادامه جنگ را نمی توان به یک یا چند فرضیه محدود کرد؛ بلکه، برای روشن ساختن واقعیت‌ها باید ماهیت جنگ و چرایی ادامه آن را در ابعاد مختلف بررسی کرد.

طراحان اصلی شبهه

ریشه اصلی شبهه چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را باید در اقدامات صدام حسین و شبکه سلطنتی بی بی سی فارسی جستجو کرد. بر اساس پندار خام آنها، یکی از عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری مسئولان ایرانی برای ادامه جنگ، مسئله ایدئولوژیک صدور انقلاب اسلامی و همراه کردن شیعیان و ملت عراق با خود بود.

وفیق السامرای^۱ با تأیید ترس حکومت وقت عراق از صدور انقلاب ایران چنین می‌گوید: «آنچه صدور انقلاب اسلامی یا انقلاب ایرانی نامیده می شود در آن زمان واقعیت بود و به نظر من تا به امروز و پس از گذشت سی سال هنوز هم ادامه دارد و یا سعی می کند حمله عراق را به عنوان دفاع در

^۱. السامرای معاون رئیس اطلاعات نظامی ارتش عراق در طول جنگ ایران و عراق بود.

راه سلطه ایران بر اعراب نشان دهد. شعار صدام در جنگ با ایران دفاع از دروازه‌های شرقی جهان عرب در برابر انقلابی بود که به زعم او در پس عنوان اسلامی آن، سودای سلطه فارس بر عرب و شیعه بر سنی داشت؛ این شعار در دل مردمان عرب بی تأثیر نبود.^۲

علاوه بر گفته‌های سامرای، بی بی سی فارسی نیز در برنامه «صفحه دو» ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را ناشی از پیگیری شعار صدور انقلاب از سوی ایران می داند؛ به گونه‌ای که سعی می‌کند ایران را مقصر نشان دهد؛ زیرا حکومت ایران پس از خرمشهر به جای معامله با عراقی‌ها به دنبال تأسیس الگویی از جمهوری اسلامی در عراق بوده است.^۳

در واقع بی بی سی فارسی سعی می‌کند تا در انگاره سازی از جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، رهبران و فرماندهان ایرانی را فاقد نگاه واقع بینانه نسبت به جنگ نشان دهد و شعارزدگی ایدئولوژیک را عامل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بداند. با این تفسیر شاید این امکان وجود داشته باشد

^۲ - وفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲.

^۳ - حسین باستانی، بازخوانی یک پرونده ۳۵ ساله: ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر، ۴ خرداد ۱۳۹۶، دسترسی در:

که بتوان مدعی شد، جنگ برای انقلابیون ایران، حکم شمشیری دو لبه را داشته است؛ زیرا، اگرچه انقلاب ایران از معادله مشروعیت انقلابی و تحقق پیروزی بر متجاوز استفاده می کرد در همان حال نمی توانسته است به آسانی و بدون احراز حداقل پیروزی ایدئولوژیک آشکار از جنگ خارج شود. نتیجه این موضعگیری ایران هنگامی آشکار شد که شورای فرماندهی انقلاب عراق در پی شکست‌های نظامی در اوایل سال ۱۳۶۱، بیانیه ای را در دهم ژوئیه ۱۹۸۲ منتشر کرد و در آن خواستار آتش بس یک طرفه و عقب نشینی نیروهایش شد که در واقع نوعی عقب نشینی از دعاوی سابق عراق به شمار می رفت.^۴

چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر

^۴. پس از فتح خرمشهر در رابطه با ادامه جنگ، نظر صریحی از طرف حضرت امام اعلام نشد، اما مرحوم حاج سید احمد آقا، پس از رحلت حضرت امام در مصاحبه‌ای اعلام کرد که حضرت امام زمان پس از فتح خرمشهر را، زمان مناسبی برای صلح و ایستادن پشت مرزهای بین المللی به صورت آتش بس اعلام کرده بودند؛ و این بیانگر مخالفت آن حضرت با ادامه جنگ، پس از فتح خرمشهر بوده است. (آئینه آفتاب، ص ۱۵۷ و ۱۵۸) اما این نظر شخصی حضرت امام، مبنای عمل قرار نگرفت و در جمع بندی نظرات کارشناسان نظامی و سیاسی، نظر بر ادامه جنگ داده شد که مورد تأیید حضرت امام قرار گرفت، یعنی حضرت امام در این امر اجتماعی، نظرات دلسوزان و کارشناسان نظام را بر نظر شخص خودشان ترجیح دادند. (نظر امام خمینی در رابطه با جنگ، پس از فتح خرمشهر چه بود؟ ۳۱ شهریور ۱۴۰۰، دسترسی در: http://www.imam-khomeini.ir/fa/c76_15320/)

در ادامه، برخی از دلایل علمی صاحب نظران و دلسوزان جریان انقلابی را در خصوص دلایل و علل تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر بیان می‌گردد:

۱- عدم تحقق اهداف و خواسته‌های عراق؛ یکی از علل تداوم جنگ،

ناشی از ناکامی رژیم بعث عراق در دستیابی اهداف مورد نظر به هنگام شروع تهاجم به ایران بود. برای اثبات این ادعا باید بررسی کرد که پیشنهاد آتش بس در چه شرایطی مطرح شد. آیا پیشنهاد آتش بس و عقب نشینی ارتش عراق به مرزهای اولیه از روی ضعف بود و عراق با این اقدام موقت تاکتیکی، قصد جلوگیری از انهدام نیروهایش در داخل ایران و نیز گرفتن زمان را داشت و یا مسئولان عراقی واقعا در پی صلح شرافتمندانه، می‌خواستند عقب نشینی کنند و درخواست آتش بس می‌دادند؟

با وجود ادعاهای برخی مقامات عراقی همچون شفیق الدراجی نماینده دولت عراق در عربستان که اعلام کرد دولت عراق آمادگی پذیرفتن هر سه شرط ایران را دارد.^۵ در یک سند دیگر مشاهده می‌شود که آنها در واقع سعی می‌کنند با خرید وسایل و تجهیزات نظامی از حامیان خود مثل شوروی، عربستان و کویت نیازهای ارتش شکست خورده خود را تأمین و

^۵. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۵۱۱، کد: S-۱۹۸۵، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

تقویت کنند.^۶ بنابراین، تلاش رژیم بعث عراق برای خرید تجهیزات نظامی پیشرفته پس از فتح خرمشهر با درخواست ظاهری برای پایان جنگ و آتش بس در تناقض است. از طرفی، باید توجه کرد که صدام حسین و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی او به اهداف از پیش تعیین شده خود در جنگ نرسیده بودند. در نتیجه، می‌توان چنین برداشت کرد که درخواست آتش بس پس از فتح خرمشهر به نوعی یک اقدام تاکتیکی موقت برای پایان جنگ در آن مقطع بوده است.

۲- تغییر در شرایط و ماهیت جنگ؛ یکی از دلایل تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، تغییر شرایط و ماهیت جنگ بود. در این مرحله برتری نظامی ایران سبب ایجاد نگرانی حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق شد؛ زیرا، تصور آنان از جنگ این بود که با فشار نظامی بر ایران، می‌توان انقلاب ناآرام ایران را مدیریت کرد؛ اما، پیروزی ایران در عملیات بیت‌المقدس برای منطقه مخاطره‌آمیز تلقی شد. روزنامه هرالدهرالد تریبون در واکنش به پیامد این عملیات چنین می‌نویسد: «این پیروزی می‌تواند برآینده سیاسی عراق، امنیت کویت و تغییر موازنه راهبردی در منطقه خلیج فارس تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته

^۶ - همان سند شماره ۱۰۸۵۳۵، کد ۱۹۸۵-S.

باشد).^۷ بنابراین، روشن بود که پیش‌بینی چنین وضعیتی باعث ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی در جنگ شود. شکل‌گیری فضای جدید بر تصمیم‌گیری مجموعه‌ای از بازیگران به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های تداوم جنگ تأثیرگذار بوده است؛ حتی، آمریکایی‌ها که براساس نظریهٔ هنری کیسینجر وزیر امور خارجه سابق امریکا راهبرد «جنگ بدون برد» را در برابر جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران دنبال می‌کردند، بدون توجه به برتری و خواسته‌های ایران در مجامع بین‌المللی و سازمان ملل، خواهان پایان جنگ پس از فتح خرمشهر بودند.

موضوع دیگری که در چرایی ادامهٔ جنگ بعد از فتح خرمشهر می‌شود از آن یاد کرد، بحث تغییر شرایط و ماهیت جنگ است. براساس نظریهٔ «برد - باخت» کالاهان، معمولاً برای گفتگو و صلح، کشوری که به لحاظ نظامی در جایگاه برتری قرار دارد، می‌تواند شرایط گفتگو برای پایان جنگ را تعیین کند؛ اما پس از فتح خرمشهر، فشارهای سیاسی بر ایران به گونه‌ای بود که تمامی اعضای شورای امنیت بر این مسئله پا فشاری می‌کردند که ایران

^۷ - علیرضا لطف‌الله زاده گان، روز شمار جنگ ایران و عراق «عبور از مرز»، ج ۲۰، تهران: مرکز مطالعات و

تحقیقات جنگ، ۱۳۸۹، ۱۰۸.

می‌باید آتش بس را بپذیرد؛ این در حالی بود که توقع افکار عمومی در داخل ایران، پس از پیروزی های نظامی و آزادسازی خرمشهر برای تنبیه متجاوز و پیگیری حقوق ایران، شتاب بیشتری پیدا کرده بود. البته پیدایش چنین وضعیتی به این دلیل بود که از یک سو در سطح نظامی، ایران پس از چهار عملیات، موازنه قوا را به نفع خود تغییر داد و از سوی دیگر در سطح سیاسی، دولت عراق با از دست دادن خرمشهر به عنوان برگ برنده در گفتگوها، در وضعیت نامناسب وضعیتی قرار گرفت.

۳- **جانبداری شورای امنیت از عراق و عدم تحقق ابعاد حقوقی ایران؛ نکته**

مهم دیگر درباره ادامه جنگ، جانبداری شورای امنیت سازمان ملل از عراق و عدم توجه به خواسته های حقوقی ایران برای پایان دادن به جنگ بود. با توجه به شرایطی که بر شورای امنیت و حقوق بین الملل حاکم بود و با فرض اینکه ایران جنگ را پایان می داد و وارد خاک عراق نمی شد، این پرسش مطرح بود که ایران براساس چه مبنا و اهرمی می توانست عراق را مجبور کند تا حقوق او را بدهد و در مقابل او تمکین کند؛ آیا غیر از امتیازگیری از عراق، مانند پیش روی در قسمتی از خاک آن، راه حل دیگری بود؟ به هر حال، ایران کشوری بود که مورد تجاوز و حمله نظامی

قرار گرفته بود و علاوه بر ویرانی شهرها و از دست دادن نیروی انسانی، خسارات اقتصادی زیادی دیده بود و از همه مهمتر بخشی از خاکش هنوز در اشغال نیروهای متجاوز عراقی بود. بر این اساس، قطعاً راه حلی جز ادامه جنگ و سرکوب متجاوز برای تأمین خواسته‌هایش نبود. از طرفی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ویژه پنج عضو دائم شورای امنیت در مقاطعی از جنگ، که عراق در موضع ضعف و ایران را در موضع قدرت می‌دیدند، از ترس به خطر افتادن منافع‌شان به صدور قطعنامه اقدام می‌کردند. به طوری که شورای امنیت برای بررسی جنگ ایران و عراق، تقریباً تا دو سال یعنی تا ژوئای ۱۹۸۲ میلادی جلسه رسمی تشکیل نداد؛ ولی، وقتی در ابتدای سال ۱۹۸۲ که عقب‌نشینی‌های عراق شروع شد، شورای امنیت در تاریخ ۱۲ ژوئای همان سال جلسه علنی تشکیل داد و قطعنامه ۵۱۴ را صادر کرد. البته طبیعی بود که آن قطعنامه با واکنش منفی ایران روبه‌رو شود؛ چرا که به عیان درستی اعتقاد جمهوری اسلامی ایران مبنی بر جانبداری شورای امنیت از رژیم حاکم بر عراق قابل رویت بود.

۴- نبود طرح صلح واقعی؛ براساس نظریه بازی‌ها، زمانی که جنگ در عرصه خارجی شکل می‌گیرد، در نهایت کشوری می‌تواند شرایط گفتگو و

چگونگی پایان آن را مشخص کند که به لحاظ نظامی برنده جنگ باشد. بر این اساس، پس از فتح خرمشهر، ایران به عنوان قدرت برتر نظامی در جنگ، می‌توانست شرایط گفتگو و چگونگی پایان جنگ را تعیین کند؛ اما حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق، مثل عربستان و آمریکا با ابراز نگرانی از اوضاع سعی می‌کردند تا ایران را در مسیر مصالحه قرار دهند و از پیروزی‌های بعدی ایران جلوگیری کنند. به این دلایل کشورهای عرب منطقه به همراه آمریکا و غرب در راستای حفظ حکومت عراق و فشار بر ایران، تلاش‌های خود را برای صلح آغاز کردند.

اگرچه تلاش برای میانجی‌گری و صلح بین طرفین از همان آغاز جنگ شروع شده بود و هریک از کشورهای میانجی‌گر سعی می‌کرد تا از طریق تشویق دو کشور به گفتگو و ارایه پیشنهاد پایان جنگ به منازعه پایان دهند، اما هیچ یک از این تلاش‌ها موفق نبود. در آن دوره احمد سکوتوره رئیس جمهوری گینه و رئیس هیئت حسن نیت کشورهای اسلامی از جمله نخستین کسانی بود که اقدام برای میانجی‌گری بین ایران و عراق را مطرح، و از سران عرب و کشورهای حوزه خلیج فارس درخواست کرد تا برای پایان دادن به بحران ایران و عراق تلاش کنند. البته، نکته مهم و قابل تأمل

در این زمینه، تقاضای صدام حسین از احمد سکوتوره برای میانجی‌گری و تشکیل کمیته‌ای برای روشن کردن حقایق جنگ است. علاوه بر این پس از فتح خرمشهر، جریان‌های دیگری از سوی برخی از کشورها با طرح‌ها و ابتکارهای جدید برای پایان دادن به جنگ پا پیش گذاشتند که هیچ کدام موفق نشدند بین طرفین آشتی برقرار کنند.

به طور کلی می‌توان چنین برداشت کرد که همه این اقدامات در حالی انجام می‌شد که تا پیش از آزادسازی خرمشهر، نگاه بیشتر کشورها به ایران به گونه‌ای بود که گویا ایران قدرت چندانی در برابر ارتش عراق ندارد و راهی جز پذیرش شرایط بغداد ندارد؛ اما ایران توانست طی چهار عملیات موفقیت‌آمیز، نیروهای (بعثی) عراقی را به عقب براند و خود را در موقعیت نظامی برتری قرار دهد؛ بدین ترتیب با آزاد سازی مناطق اشغالی و عقب راندن نیروهای عراق، تحولی راهبردی در روند جنگ به وجود آمد و از این دوره، جنگ به داخل خاک عراق کشیده شد.

نکته مهم دیگر اینکه، پس از فتح خرمشهر هیچ پیشنهاد یا طرح صلحی از سوی رژیم عراق یا مجامع بین‌المللی ارائه نشد که ایران آن را بپذیرد. اگرچه برخی سازمان‌های بین‌المللی و بعضی دولت‌ها تلاش‌هایی برای

صلح انجام دادند. اما هیچ‌کدام از اقدامات آنها نتوانست ایران را قانع کند که بدون نگرانی از آغاز دوباره جنگ و تنها با پذیرش آتش بس به صلحی پایدار دست یابد. از طرفی دولت عراق در آن مقطع تنها درخواست آتش بس کرد و به دنبال پایان دادن به اختلافات مرزی و مناقشات دو کشور بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ نبود. بنابراین، این امر موجب شد تا ایران از پذیرش شرایط «نه صلح و نه جنگ» برای مدتی نامعلوم که به نتیجه‌ای هم نمی‌رسید، نگران باشد. دولت عراق در واقع سعی کرد که با پیشنهاد آتش بس، ایران را در تنگنا قرار دهد و در جنگ سیاسی، حکومت تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبه رو کند.

۵- دخالت آمریکا و قدرت‌های بزرگ؛ با روی کار آمدن رونالد ریگان، تغییر عمده‌ای در سیاست آمریکادر کشورهای جهان سوم ایجاد شد. وی علاوه بر ادامه سیاست‌های پیشین جیمی کارتر، دکترین جدیدی در سیاست خارجی آمریکا اعلام کرد که به «دکترین رمبو» شهرت یافت. هدف سیاست جدید آمریکا، ایجاد موانع فراروی انقلاب‌های ملی و جلوگیری از تحولات مترقیانه و رو به پیشرفت در کشورهای جهان سوم بود. در مفاد دکترین رمبو برای دستیابی به اهداف مدنظر، درگیر ساختن کشورهای انقلابی با

کشورهای همسایه در جنگ‌های بدون پیروز بود. بنابراین هر جا که انقلابی پدید آمد و الگویی غیر از الگوی سرمایه‌داری عرضه شد، احتمال اجرای این دکترین در موردش بالا می‌رفت. در واقع تحمیل جنگ کم شدت، ابزار اصلی این سیاست بود. شاید بتوان چنین برداشت کرد که سیاست خارجی آمریکا در برابر جنگ ایران و رژیم بعث عراق، تنها بر اساس راهبرد کلی حاکم بر دکترین رمبو امکان‌پذیر شده بود که مبنی بر تحمیل جنگ‌های بدون پیروز بر دولت‌های انقلابی بود. براین اساس، می‌توان چنین تحلیل کرد در هر مقطعی که نیروهای ایرانی عملیات‌های سرنوشت‌سازی را انجام می‌دادند، آمریکا و دیگر قدرت‌های دنیا دخالت می‌کردند و با فرستادن کمک‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی موجب می‌شدند تا جنگ طولانی شود.

چنان که در دوره جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، هنگامی که ایران از اواسط سال ۱۳۶۰ با عملیات ثامن‌الائمه در پنجم مهر ۱۳۶۰ سیاست تهاجمی در جبهه‌ها در پیش گرفت و با عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ به اوج خود رسانید و رژیم عراق را در موضع ضعف قرار داد، آمریکا به چشم‌پوشی از سیاست

بی‌طرفی و حمایت ضمنی از عراق ترغیب شد. از سوی دیگر، آمریکا با ترغیب کشورهای منطقه و میانه‌روی کشورهای عربی، نظیر مصر و اردن به اعطای کمک به عراق در تلاش برای کمک به صدام حسین برای خروج از انزوای بین‌المللی بود. آمریکا با بیم دادن به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از به مخاطره افتادن موقعیت‌شان در صورت شکست عراق در جنگ، آنها را به اعطای کمک‌های بلا عوض یا اعطای تسهیلات با شرایط آسان به عراق ترغیب می‌کرد.

بنابراین، مواضع و سیاست‌های آمریکا و حامیان منطقه‌ای عراق، پس از فتح خرمشهر نگران‌کننده به نظر می‌رسید؛ چرا که هیچ‌گونه توجه و تمایلی برای تأمین خواسته‌های ایران وجود نداشت. حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز از معرفی کشور متجاوز، که یکی از خواسته‌های ایران بود، طفره می‌رفت. در چنین اوضاع و شرایطی، ایران به ادامه جنگی تصمیم می‌گیرد که آمریکایی‌ها نمی‌خواستند برنده‌ای داشته باشد.

دستاوردهای فتح خرمشهر

برخلاف اهدافی و انگیزه‌هایی که بازیگران جنگ شناختی از ساختن و پرداختن سوالات و شبهات در باره چرایی ادامه جنگ از سوی ایران پس از

فتح خرمشهر در سر داشته و امروز نیز با این خیال خام به سر می‌برند، نگاهی همه جانبه به زمانه و زمینه‌های نبرد تحمیلی هشت ساله بر ایران اسلامی و بررسی اسناد نشان می‌دهد ایران درست‌ترین اقدام را داشته است. به نظر می‌رسد از دلایل دشمنان از طرح این موضوع، فرافکنی و به فراموشی بردن آثار و نتایج و دستاوردهای درخشان فتح خرمشهر برای جمهوری اسلامی نوپا در منطقه‌ای متلاطم بوده است. فتح خرمشهر نقطه عطفی بود که قدرت الهی انقلاب اسلامی و نتیجه اخلاص امام و مردم و رزمندگان غیور ایران را به دنیا نشان داد و الگویی الهام‌بخش همانند انقلاب اسلامی برای فرهنگ جنگیدن و دفاع کردن ارائه کرد. این الگو نگرانی دشمنان انقلاب اسلامی را فراهم می‌کرد و آنها را وامی داشت برای خنثی‌سازی آن اقدام کنند. تاملی بر بخشی از این دستاوردها نشان می‌دهد که فتح خرمشهر چه عظمتی برای انقلاب اسلامی و ملت ایران در منطقه و دنیا خلق کرد:

۱- **ظهور قدرت دفاعی ایران:** پیروزی نظامی ایران در عملیات بیت المقدس پس از ناکامی و شکست در دو مرحله -که مرحله اول آن بازدارندگی در برابر تجاوز دشمن و مرحله دوم، جلوگیری از اشغال

۱۵ هزار کیلومتر از خاک ایران بود- نوید ظهور قدرت دفاعی جدیدی در منطقه را می‌داد که در پارادایمی غیر از چیزی که دنیا تا آن مقطع سراغ داشت به منصف ظهور رسیده بود و این نگران کننده بود. ماهیت پیروزی از نظر جغرافیا و میدان درگیری، زمان، روش دستیابی به آن (تاکتیک عملیات)، فرماندهی و کنترل و نیروهای شرکت کننده و همچنین بسیاری از موضوعات دیگر، هر کدام مقوله جداگانه ای است که در صورت بررسی و کالبد شکافی هر یک می‌تواند رخداد عظیم تاریخی را با شکلی در خور شأن آن جلوه گر سازد؛ به نحوی که شایسته عملیات بزرگی باشد که منجر به آزادی خرمشهر شد.

کشور ایران دارای موقعیت راهبردی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است، همین مسئله باعث شد که در تاریخ معاصر ابرقدرت های جهان نگذارند، آرامش داخلی در این کشور بوجود بیاید و در دو جنگ اول و دوم جهانی به دلیل ضعف و ناتوانی قدرت ملی و دفاعی به تسخیر قدرت های بین المللی درآید، و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حکومتی کاملا دست نشانده بر مردم ایران تحمیل شود. فتح خرمشهر اولین عملیات مهم و گسترده از سوی ملت ستم دیده و انقلابی ایران بود، که این پیام قدرت را

مخبره کرد. دیگر زمان تحمیل سیاست های جهانی علیه این ملت به پایان رسیده است.

اگر امروزه عزم و اراده قاطع برای ساخت و تولید پیشرفته ترین تسلیحات و تجهیزات نظامی در تمامی حوزه های دفاعی نظیر موشکی، پهپادی، هوایی، دریایی، زمینی، پدافندی، راداری، الکترونیکی و.... در بین جوانان این مرز و بوم وجود دارد، باید نقطه آغاز آن را در فتح خرمشهر به عنوان یکی از مهمترین قلعه های فتح شده در اوایل انقلاب دانست.

ساخت و تولید سامانه پدافند هوایی باور ۳۷۳، جت جنگنده کوثر، جت پیشرفته آموزشی یاسین، زیردریایی های کلاس غدیر و فاتح، انواع موشک های برد بلند، متوسط و کوتاه بالستیک و کروز، انواع خودروهای زرهی، ضدمین، ضدانفجار، انفرادی و تاکتیکی، انواع موشک های هدایت شونده ضد زره، سامانه های راداری، الکترونیکی و الکترواپتیکی، انواع پهپادهای شناسایی، رهگیری، رزمی و عملیاتی و انواع سلاح های انفرادی در حوزه رزم زمینی، گوشه های کوچکی از توانمندی نیروهای مسلح در دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و ارزش های الهی کشور عزیزمان است. اهمیت ساخت سلاح های بومی و مدرن به حدی است که در ماه های

اخیر و زمانی که فرمانده نیروی هوافضای سپاه خبر از ساخت موشک هایپرسونیک را رسانه‌ای کرد، به فاصله اندکی، «راب لودویک» سخنگوی بخش غرب آسیای وزارت دفاع آمریکا در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز تلاش کرد توانایی موشکی کشورمان را زیر سوال ببرد و بگوید: «واشنگتن از گزارش‌ها در این زمینه مطلع است اما همچنان نسبت به آن شک و تردید دارد.»^۸

۲- تغییر در وضعیت امنیت داخلی: در سال‌های قبل از فتح خرمشهر وضعیت امنیت داخلی کشور در شرایط مطلوب قرار نداشت. اعلام رسمی ورود منافقین به فاز نظامی و مسلحانه در ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ صورت گرفته بود. از این تاریخ به بعد آنها جنایت به ترور، قتل و عام مردم بیگناه و مسئولین و سران نظام را در دستور کار خود قرار دادند. امروزه بیش از ۱۷ هزار شهید ترور، صدها عملیات تروریستی و خرابکارانه به نام آنها ثبت شده است. آنها توانستند در کشور ناآرامی و آشوب ایجاد کنند. چالش‌های امنیتی و ارائه تصویری ناامن و بی ثبات در داخل جمهوری اسلامی کشور

^۸. چرا آمریکا منکر موشک‌های هایپرسونیک ایران می‌شود؟، اذر ۱۴۰۱، دسترسی در:

<https://www.mashregnews.ir/news/1438542/>

را در مقابل مداخله خارجی آسیب‌پذیر کرده بود. فتح خرمشهر توانست پایداری سیاسی و تأمین ثبات سیاسی در برابر چالش‌های امنیتی و مداخله خارجی را برای ملت به ارمغان بیاورد. از این تاریخ به بعد بساط منافقین از کشور جمع شد.

۳- ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای؛ از پیامدهای فتح خرمشهر تأثیر فوق‌العاده مهم سیاسی - نظامی آن بر روند تحولات سیاسی نظامی منطقه است. این امر که منجر به تغییر برخی از معادلات منطقه ای شد، بیانگر ظهور قدرت جدید به عنوان قدرتی تأثیرگذار بود. این موضوع در صورت موشکافی می‌تواند ابعاد منطقه ای فتح خرمشهر را بیشتر آشکار سازد. در این عملیات برای اولین بار یگان‌های عمل‌کننده سپاه در قالب واحدهای رزمی مستقل طرح عملیات مجزای خود را طراحی کردند و تحویل قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا دادند. از سوی دیگر با آغاز نبرد و استقرار فرماندهانی چون احمد کاظمی، قاسم سلیمانی، احمد متوسلیان، حسین خرازی، علی هاشمی، حسن طهرانی مقدم، حسن باقری و ابراهیم همت در محورهای عملیاتی، شاهد ظهور ظهور ستارگانی بودیم که تمام برآوردهای نظامی و جنگی جهان را تغییر دادند. صدای معروف بی‌سیم

احمد کاظمی هنوز در فتح خرمشهر طنین انداز است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا به مناسبت روز آزاد سازی خرمشهر « مبارزه‌ی مجدانه‌ی توأم با ایمان، در همه‌ی مراحل با پیروزی همراه است. همیشه هم که جنگ نیست؛ این مبارزه در میدان‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هم هست؛ این مبارزه در میدان درس و بحث و در میدان تولید هم هست. بنابراین همه جا مبارزه وجود دارد. یک وقت هم دشمن دیوانگی می‌کند؛ آنگاه مبارزه در میدان جنگ است. یک ملت وقتی به خود متکی شد، وقتی مؤمن شد، وقتی این ایمان را با عمل صالح و جهاد همراه کرد، در همه‌ی میدان‌ها پیروزی او قطعی است. درس خرمشهر برای ما این است؛ ملت ایران این درس را نباید فراموش کند.» (۱۳۸۴/۳/۳) به فضل الهی امروز مشاهده می‌کنیم دشمن از همان چیزی که می‌ترسید، یعنی الگو شدن حماسه دفاع مقدس رزمندگان اسلام، بر سرش چون عذابی الیم نازل شد و درس خرمشهر به درستی توسط فرماندهان آن، به نهضت‌های مقاومت آموخته شد.

۴- اثبات یک سبک موفق از جلوه ایمان در کشاکش سهمگین‌ترین میدان‌ها؛ شاید مهمترین دستاورد فتح خرمشهر همین موضوع باشد. برای اولین بار در

تاریخ معاصر یک فرهنگ ارزشی - حماسی با نقش بی بدیل ایمان، روحیه فداکاری و خلاقیت و ابتکار عمل موفق به کسب پیروزی بزرگی می‌شود. البته تا قبل از فتح خرمشهر عملیات‌های بزرگی، چون شکستن حصر آبادان، فتح‌المبین و طریق‌القدس به موفقیت رسیده بود، اما هیچ کدام به جایگاه خرمشهر نزدیک هم نمی‌شوند. زیرا فتح خرمشهر یک حادثه تاریخی و تاریخ ساز و یک الگوی کامل اندیشه و عمل نظامی و مدیریت کلان دفاعی - امنیتی و استراتژیک در کشور است. عملیات خرمشهر از این جهت ارزش تاریخی دارد که مبدا ظهور ستارگان است. ستارگانی که در عملیات فتح‌المبین و طریق‌القدس با رشادت‌های فراوان سلسله مراتب فرماندهی را از یک نیروی تکاور تا فرمانده یک تیپ عملیاتی ظرف چند ماه طی کردند و در قامت شجاع‌ترین ژنرال‌های جنگی در برابر کارکشته‌ترین ژنرال‌های صدام قرار گرفتند و معادلات نظامی بلوک غرب را تغییر دادند.

نتیجه سخن

ایجاد سوال و ابهام و شبهه‌پردازی کار دشمن است و باید از راهش به آنها به صورت اقناعی و منطقی پاسخ داد اما واقعیت امر این است که خود این

اقدام دشمن از سر استیصال و شکست صورت می‌گیرد. لذا همان طور که جمهوری اسلامی عملیات‌های بزرگی همچون آزادسازی خرمشهر را در زمانی که در موقعیت به ظاهر ضعیفی از منظر دشمن قرار داشت، طراحی و اجرا کرد و دنیا را انگشت به دهان گذاشت، تمهید پاسخ‌های اقناعی به بازنشر شبهات نخ‌نما کار سختی نیست به شرطی که روزآمد، به زبان نسل امروز و با برانگیختن تفکر، حس غیرت، شجاعت و افتخار به گذشته‌ی با عزت و عظمت ملت ایران و با آگاهی و مراجعه به اسناد و تحقیقاتی باشد که حاصل خون دل عزیزانی است که نگران انتقال به سلامت این فرهنگ دفاع و پاسداری از اسلام، انقلاب و ایران هستند. لذا در کنار جهاد تبیین برای پاسخ‌دهی به سوالات و شبهات مطروحه در جامعه در باره این موضوع، نباید از کار جدی و عمیق گفتمانی با اولویت‌گذاری مراکز آموزشی و دانشگاهی غفلت کرد. زمانی در این کار باید احساس کامیابی و پیروزی نمائیم که مخاطبان ما به این ادراک برسند که انقلاب اسلامی و فرهنگ ایجاد شده در حوزه‌های مختلف از سوی آن مسبب تمام این موفقیت‌ها و پیروزی‌ها در میادین و عرصه‌های مختلف پیشرفت کشور بوده است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب هر کجا مبتنی بر تفکر جهادی و روحیه

انقلابی و الهی حرکت کردیم، حتما نتیجه گرفته و موانع را از سر راه کنار زده‌ایم و هر جا عقب‌رفتی و عدم پیشرفتی بوده، به خاطر حاکمیت فرهنگ تحمیلی لیبرال سرمایه‌داری و یا فرهنگ‌های دیگر بوده است.